

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۰۹ جولای ۲۰۱۲

## استمداد سازمان مجاهدین از سرمایه‌داران بین‌المللی

سازمان مجاهدین خلق در چهارچوبه فعالیت‌های ضد رژیم خود بار دیگر و در تجمعی در پاریس - بیست و سوم جون -، از سرمایه‌های بین‌المللی و به ویژه از دولت امریکا خواسته است تا به‌منظور تحت فشار قرار دادن رژیم جمهوری اسلامی از خود "قاطعیت" بیشتری به خرج دهند!!

جهان پر از التهاب سیاسی و جنگ‌های خانمان برانداز، حاصل سیاست‌ها و امیال بی‌انتهای سردمداران و دولت‌مردان کنونی است. به اندازه کافی در این دنیای سراسر ظلم، میلیاردها انسان زحمتکش از قبل، ایدئولوژی و سیاست‌های ارتجاعی حاکمان "سود" برده‌اند و همچنان دارند، "قاطعیت" سرمایه‌داران بین‌المللی و به ویژه دولت امریکا را با پوست و گوشت خود لمس می‌کنند. به ده‌ها دلیل واهی قشون به این‌کشور و به آن‌کشور پیاده می‌کنند و زیر ساخت‌های جامعه را در هم می‌ریزند. تصویر کشیده شده جهان کنونی توسط قدرت‌مداران بزرگ، به شدت تکان‌دهنده و غم‌انگیز است. دیکتاتورها را یکی پس از دیگری به زیر می‌کشند و دیگر "مدافعان آزادی و دموکراسی" را بر مسند قدرت می‌نشانند. دنیا را به چنین سمتی سوق داده‌اند و هر روزه جهان، شاهد کُشت و کُشتار هزاران انسان دردمند و بی‌پناه توسط ارگان‌های مسلح رنگارنگ نظام‌های امپریالیستی است. سوژه‌ها من‌حیث‌المجموع شبیه به هم است و دیکتاتورهای بزرگ به‌منظور انحراف افکار عمومی و پایداری منافع درازمدت‌شان و همچنین تطهیر چهره کثیف خویش در صدد تحقق سیاست‌های ارتجاعی‌شان می‌باشند.

در چنین راستائی چند سالی است که موضوع هسته‌ای ایران و متعاقباً زمزمه حمله به "جمهوری اسلامی" به "دغدغه" سرمایه‌های بین‌المللی تبدیل گشته است و به تبع از آن باعث گردیده است تا صف اپوزیسیون خارج از کشور - چه به نفع رژیم جمهوری اسلامی [آگاهانه و ناآگاهانه] و آن‌هم به بهانه مقابله با "متجاوزین" و "دفاع از میهن" و همچنین علیه رژیم جمهوری اسلامی و همسویی با امپریالیست‌ها - دراز و درازتر شود. به نگاهی واقعی‌تر همه با هر انگیزه و برداشت و منفعتی در انتظار نشسته‌اند تا سرمایه‌داران بین‌المللی، سران رژیم جمهوری اسلامی را از تاج و تخت‌شان به زیر کشند و آنان را بر سر کار گمارند و یا بعضاً از آنان بر آند تا از فضای به وجود آمده، پرچم "مستقل" و "سازمان کارگری" و یا "توده‌ای" خود را برافرازند و انقلاب را به سر منزل مقصود برسانند!!

متأسفانه دهه‌هاست که اپوزیسیون ایران در چنین حال و هوایی است و کمترین دخالت و یا تأثیرگذاری در مبارزات کارگری – توده‌ای نداشته و ندارد و جنبش حق‌طلبانه و اعتراضی را عملاً در اختیار جناح‌های متفاوت سرمایه‌گذار داده است. نمونه‌های بی‌دخالتی از یکسو و کنترل و دخالت جناح‌های وابسته به سرمایه و آن‌هم در گرگه‌های تاریخی از سوی دیگر، فراوان‌اند. واقعیت تلخی که کتمان آن کار آسانی نیست و به دنبال آن شکاف نگاه‌ها در درون اپوزیسیون بسیار و بسیار زیاد است و اگر چه یکسانی در تعبیر و تفسیر اپوزیسیون پیرامون واژه‌ها و دهه‌ها رخداد سیاسی – اجتماعی دیگر موجود نمی‌باشد. اما یک موضوع کاملاً مشهود و معین می‌باشد و آن این است که چگونه سرمایه‌داران بین‌المللی به بهانه برقراری "دمکراسی" و مبارزه با "دیکتاتور"ها، دیگر جوامع متفاوت بشری را با خاک یکسان می‌کنند؛ یک موضوع را به‌عینه می‌توان در زندگی روزمره خود لمس نمود و آن این است که "قاطعیت" امپریالیست‌ها در این کشور و یا در آن کشور نه تنها از دردهای بی‌شمار جامعه نکاسته است بلکه در ابعاد دهشتناک‌تری بر آن افزوده است.

به هر حال سیمای واقعی جهان کنونی و مشاهده زندگی میلیاردها انسان محروم در منطقه خاورمیانه خلاف سازندگی و پیشرفت را نشان می‌دهد و خلاف نظر دنبال‌چه‌های سرمایه‌های بین‌المللی، اوضاع حقیقی و تأسفبار جهان کنونی از دیده‌ها پنهان نیست و بر روی میز هر انسان آزاده‌ای قرار دارد. بی دلیل هم نیست که جنبش مدافع آزادی و رهائی میلیون‌ها توده رنجبر از قید و بندهای امپریالیستی، در عمل حساب خود را با حساب هر عنصر و سازمان مدافع عاملان چنین وضعیتی جدا نموده است. چرا که می‌داند طبقه سرمایه‌داری همواره در فکر زراندوزی و غارت اموال عمومی است و همچنین پی برده است که درخواست و طلب عکس‌العمل‌های شدید از سرمایه‌های بین‌المللی در مقابل رژیم‌های دست‌نشانده‌شان، چیزی جز ناباوری آنان به حقوق حقه میلیون‌ها انسان رنج‌دیده نیست. در حقیقت این دو هدف، دو صف و دو رویکرد، در همه‌جا قابل رویت می‌باشد و مهمتر از آن و به تجربه دریافته شده است که تکلیف رژیم‌های علم شده در اثر جنگ و دعوای امپریالیستی، پیشاپیش نوشته شده و می‌داند که وظیفه‌شان خدمت‌گذاری به سرمایه‌های بین‌المللی و به ویژه دولت امریکاست. از افغانستان و عراق گرفته تا تونس و لیبیا و مصر و سوریه در سر صف، حکایت از چنین حقایق تلخی دارد. نمی‌توان به ده‌ها دلیل و به دلیل بی‌عملی و فقدان حضور و نقش‌آفرینی، به پادو نظام‌های امپریالیستی تبدیل گشت و به تحریف ماهیت حقیقی دولت‌مردان بزرگ جهانی و دست‌نشانده‌شان پرداخت. پر واضح است که چنین رفتار و کرداری در خدمت به انقلاب و در خدمت به روشن‌گری نیست.

البته که مدت‌هاست ارزیابی‌ها و صف‌بندی‌های سیاسی، پیرامون ماهیت جنگ‌های امپریالیستی معین و شکل گرفته است و در این میان هم دهه‌هاست که شورای ملی مقاومت و دیگر دنبال‌چه‌های آن، تکلیف سیاسی – عملی خود را با خواسته‌های بنیادی محروم‌ترین اقشار جامعه روشن نموده‌اند و پای در خلاف مسیر انقلاب و انقلابیون گذاشته‌اند. به این دلیل که نگاه‌شان به بالائی‌هاست و کاری به مطالبات پایینی کارگران و زحمت‌کشان و اوضاع رو به وخامت زندگی میلیون‌ها انسان محروم، که مولد آن سرمایه‌داران بین‌المللی‌اند، ندارند. از منظر آنان به سر انجام رساندن انقلاب چیزی جز لشکرکشی قدرت‌مداران بزرگ جهانی و تحمیل جنگ‌های فرسایشی و مخرب به میلیون‌ها انسان محروم نیست. بر این باوراند تا به یاری و با همکاری امپریالیست‌ها بر مسند قدرت تکیه زنند و جامعه را از شر هزاران مصیبت و مشکل دست‌ساز طبقات حاکم و انگل صفت رها سازند!! می‌خواهند پرچم دنیای آزادی و برابری را با وجود حاکمیت سودجویان و تخریب‌کنندگان جهان کنونی برافرازند و مردم را از شر سرکوب و ناامنی‌های موجود نجات دهند!! چرا که باورش‌شان به انقلاب از بالاست!!

این‌ها اهداف و پراتیک سیاسی مجاهدین خلق و دیگر سازمان‌هایی از این‌دست را تشکیل می‌دهد و در مقابل هم، حقیقتاً فراوانند که بر عمق سیاست‌های جنگ‌طلبانه امپریالیست‌ها در این منطقه و یا در آن منطقه آشنا می‌باشند. چرا که دیده‌اند "قاطعیت" دولت‌مردان بزرگ جهانی به سرکردگی دولت امریکا چه ثمره‌ای برای میلیاردرها انسان محروم منطقه خاورمیانه و دیگر مناطق جهان به بار آورده است و آن‌چنان، جوامع بشری را ناامن نموده است که کمترین چشم‌اندازی از تغییر آن متصور نیست.

واقعیت این است که دهه‌هاست ترمز قطار سرمایه‌داران و دار و دسته‌های مسلح و رنگارنگ‌شان بُریده شده است و به بهانه مبارزه با تروریسم و نابودی سلاح‌های کُشتار جمعی، صف تخریب جوامع وابسته را طولانی‌تر می‌نمایند تا منفعت خود را درازتر نمایند. روزی نیست که از بلندگوهای تبلیغاتی‌شان خبری از زیر و رو نمودن خانه و کاشانه توده‌ها و همچنین لت و پار شدن هزاران انسان دردمند و بی‌گناه و کودکان به جهان مخابره نگردد. نمایش خون و گلوله باران بدن‌های نحیف کودکان، پیرمردان و پیرزنان و قربانیان نظام‌های امپریالیستی به سر تیت‌ر خبری روزانه ارتباطات جمعی امپریالیست‌ها تبدیل گشته است و شکی در آن نیست که هدف سرمایه‌های بین‌المللی و به ویژه دولت امریکا، مبارزه با "تروریسم" و مخالفت با "تولید سلاح‌های اتمی" نیست بلکه کوتاه نمودن دست‌های رقیب و متعاقباً آرایش جدید سیاسی در منطقه خاورمیانه است. جنگ آنان در مخالفت با تولید سلاح‌های کُشنده نیست. چرا که می‌دانند جهان بدون جنگ و تشنج، جهان طبقه سرمایه‌داری نیست و به تبع از آن رژیم‌های وابسته‌ای همچون رژیم جمهوری اسلامی هم بدون حمایت و پشت‌بانی بی‌دریغ آنان قادر به حکومت‌داری نیستند. تجارب بسیار روشن و ناگواری در این یکی دو دهه اخیر وجود دارد و روز به روز بر دامنه چنین رخدادهای غم‌انگیز و جابه‌جایی‌های از بالا، افزوده و افزوده‌تر می‌گردد. سؤال این است که مگر تاکنون توده‌های محروم فلسطین، افغانستان، عراق، تونس، لیبیا، مصر و غیره شاهد "قاطعیت" دولت امریکا و دیگر همراهان‌شان نبوده و نیستند و مگر ندیده و نمی‌دانند که بعد از سرنگونی حکومت‌های وابسته به آنان، چه بر سرشان آمده است؟ مگر نمی‌دانند زندگی انسان‌های محروم در میادین تحت حاکمیت امپریالیست‌ها دقیقه‌ای و ثانیه‌ای است؟ مگر هم مزه جنگ‌های تحمیلی و ناخوایسته را نچشیده‌اند و هم بر نتایج تحریم‌های سرمایه‌داران بین‌المللی به‌منظور "به زانو آوردن" رژیم‌های سراسر جهل و جنایت و سرکوبگر آشنا نیستند؟

نیازی به نگاه آن‌چنانی نیست تا به وضعیت کشورهای مورد تجاوز مستقیم و علنی سرمایه‌های بین‌المللی، و همچنین به عمق هم‌سوئی مریم رجوی با سیاست‌های امپریالیستی پی بُرد و نشان داد که "قاطعیت" دولت‌های امپریالیستی – و آن‌هم در مقابل رژیم‌های دست‌نشانده‌شان –، در خدمت به منفعت میلیون‌ها انسان محروم نیست. خلاف ایده‌های سراسر به غایت ارتجاعی و ضد انقلابی سازمان مجاهدین، در هیچ جایی از جهان سرمایه‌داری، نمی‌توان سراغی از محترم شمردن به حقوق پایه‌ی کارگران و زحمت‌کشان از جانب سرمایه‌داران بین‌المللی را داشت. این دولت‌ها زاده نشده‌اند تا از حقوق پایه‌ی محروم‌ترین اقشار جامعه حفظ و حراست نمایند و در عوض و به اندازه کافی سند و مدرک وجود دارد که چگونه سیاست‌های سودجویانه و بی‌انتهای‌شان، کمر میلیاردها انسان محروم را خُرد نموده و جان میلیون‌ها انسان را گرفته است و همچنین میلیون‌ها کودک در انتظار مرگ‌اند و میلیون‌ها تن دیگر در اثر ندادی والدین‌شان به نیروی کار ارزان تبدیل شده‌اند و طعمه باندهای قاچاق انسان‌اند.

دهه‌هاست که علناً و آشکارا، دسته‌جات مسلح و وابسته به خود را به بهانه مبارزه با "دیکتاتور"ها سازمان داده‌اند و مشغول تجاوز و جنایت‌اند و بی‌تردید حمله آنان به ایران و تقاضای سیاست قاطع‌تر از امپریالیست‌ها هم، چیزی جز تخریب هر چه بیشتر زیر ساخت‌های جامعه و تلف شدن بیش از این میلیون‌ها انسان نادر نیست. چرا که جنگ

سرمایه‌های بزرگ با دولت‌هایی همچون رژیم جمهوری اسلامی، جنگ مردم با دولت‌مردان بزرگ جهانی و حاکمان زورگو نیست؛ ماهیت و مضمون جنگ مردم با جنگ‌های امپریالیستی و ارتجاعی کاملاً متفاوت است. جنگ آنان بر سر شیوه حکومت‌داری و سهم‌بری هر چه بیشتر و غارت اموال عمومی و آن‌هم به نفع جناح خودی است. در حقیقت مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی از جانب دولت‌مردان بزرگ جهانی به معنای مخالفت با سیاست‌های چپ‌ول‌گرایانه سردمداران کنونی نیست. بیش از سه دهه است که حاکمان کنونی ایران در چهارچوبه منفعت سرمایه‌های امپریالیستی از خود کمترین نرمشی به خرج نداده‌اند و همچنان بر تدوام آن و در به تاراج بردن تئمه‌های زندگی توده‌های ستمدیده مصراند. روشن است که انگیزه و اهداف نظام‌های حاکم بر سرتاسر جهان در تخالف با انگیزه و اهداف توده‌های محروم قرار دارد و بنابراین همسوئی و درخواست از بانیان وضعیت کنونی در خدمت به تخریب زیر ساخت‌های جامعه و غارت بیش از این اموال عمومی است. به عبارتی دیگر و روشن‌تر باید اعلان نمود که "قاطعیت" و راه‌اندازی جنگ و حمله سرمایه به جوامع متفاوت، در خدمت به تصفیه حساب‌های درونی است و تحت هیچ شرایطی انقلاب و انقلابیون به پیشواز جنگ‌های امپریالیستی و خانمان برانداز نخواهند رفت و طرف یکی از دعوای جنگ را نخواهند گرفت.

در یک کلام و خلاصه می‌توان بر این نکته تأکید ورزید که تقاضای مریم رجوی از سرمایه‌های بین‌المللی و به ویژه از دولت آمریکا نمایانگر تعلق این سازمان به طبقه سرمایه‌داری است و همچنین آشکار گردیده است که منفعت این سازمان با دیگر همراهانش با منفعت سرمایه‌داران بزرگ جهانی گره خورده است، و بیهوده نیست که بر طبل جنگ‌های امپریالیستی می‌کوبند. مدت‌هاست که جنگ و اقدام نظامی آمریکا علیه رژیم جمهوری اسلامی به خواسته‌های فوری و آنی سازمان مجاهدین تبدیل گشته است و طبعاً چنین خواستی کمترین ربطی به منفعت میلیون‌ها انسان محروم ندارد. تاکنون در هیچ جامعه و هیچ کشور و مردمی، از "قاطعیت" سرمایه‌داران بین‌المللی و جنگ‌های سازمانیافته آنان، خیری ندیده‌اند و بدون شک افراد و یا جریاناتی به دنبال شعله‌ور شدن چنین جنگ‌هایی هستند که هیچ‌گونه باوری به قدرت توده‌ها نداشته و چشم به بالائی‌ها دوخته‌اند؛ سیاستی که شورای ملی مقاومت و دیگر عناصر و جریانات وابسته به آن در مقابل خود قرار داده‌اند و بی‌تردید می‌باید در آینده و در فردای انقلاب کارگری - توده‌نی پاسخگوی اعمال کثیف خود باشند.

۸ جولای ۲۰۱۲

۱۸ تیر [سرطان] ۱۳۹۱

[http://maryam-rajavi.com/index.php?option=com\\_content&view=article&id=741:2012-06-25-17-19-38&catid=15:2009-08-04-19-13-53&Itemid=32](http://maryam-rajavi.com/index.php?option=com_content&view=article&id=741:2012-06-25-17-19-38&catid=15:2009-08-04-19-13-53&Itemid=32)